

**پیام سازمان اتحاد فدائیان کمونیست به****مراسم برگزاری پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل****رفقای مبارز و حضار محترم**

پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل را به شورای برگزاری و شما شرکت کنندگان در این مراسم، به خانواده ها و هم‌زمان و همه فدائیان انقلابی، اعضا و سمپاتی‌زانه‌های سازمان و همه آنان که درسنگر کارگران و زحمتکشان به اشکال و شیوه های مختلف به مبارزه ادامه می‌دهند و آرمانها و از جان گذشتگی های حماسه آفرینان سیاهکل را پاس میدارند، شادباش میگوئیم.

ادامه در صفحه ۲

تأثیر جنبش کارگری بر جنبش سیاهکل - پنجاه سال تأثیر فرهنگ سیاهکل بر جنبش کارگری

کمونیست مخفی و عضو مهم ANC با تمام قدرت مخالفت می‌کند. او با نلسون بر سر دلایل اصولی در حزب مخالفت نمی‌کند، بلکه برای اینکه در آینده نلسون مدعی نباشد مخالف است. (ص ۸۵ درس زندگی برای آیند) در شانزده دسامبر ۱۹۶۱ در ایستگاه برق فشار قوی شهر ژوهانسبورگ بمبی منفجر شد. شعار بخش فعالین نظامی کنگره ملی افریقا این بود، کشته شدن در جنگ تاسف آور است ولی چاره‌ای در مقابل اش نیست. اعلامیه های که در آن شب در آن محوطه بخش شد نوشته شده بود دو راه وجود دارد، یا تسلیم یا جنگ. (ص ۲۸۴ و ۲۸۵ راه طولانی به سوی آزادی-نلسون ماندلا)

ادامه در صفحه ۸

درها به هر زحیر عبث بسته است

در کوچه های باور مردم،

بیداری،

اعتماد به دشمن را،

بر داربست تجربه، مصلوب کرده است (م.آزم)

بیاد استاد و معلم ام مرتضی کریمی (ایوب)

در ژوئن ۱۹۶۱ جلسه ای مخفیانه کنگره ملی افریقا تشکیل شد و ماندلا پیشنهاد مبارزه مسلحانه را می‌داد. موزس کوتان، دبیرکل حزب

انتخابات پارلمان آلمان در ماه سپتامبر ۲۰۲۱

در بخش های گذشته این محث به وضعیت بیکاری و موج بیکارانی که در شرایط کنونی در آلمان روز به روز به تعداد آنها افزوده میشود، اشاره نمودیم و تأثیرات آنرا بر روی انتخابات سپتامبر امسال برشمردیم. همچنین، به این موضوع نیز اشاره کردیم که نتیجه انتخابات آلمان در ماه سپتامبر هر چه که باشد و هر نوع ائتلافی که شکل بگیرد، تغییرات آنچنانی در سیاستهای داخلی و بین المللی دولت آینده بوجود نخواهد آورد.

در بخش دوم با تحلیلی از موقعیت احزاب موجود در پارلمان آلمان و به چگونگی پیوند آنان با میلیونها مردمی که به آنها رأی می دهند خواهیم پرداخت و نیز دلایلی که این احزاب را به هم نزدیک میکند. در پایان به اشکال ائتلافی این احزاب میپردازیم.

ادامه در صفحه ۱۲

اطلاعیه شورای همکاری در باره.**مستندهای امنیتی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی علیه**

صفحه ۶

چپ ها و کمونیست ها!**تجمع سراسری بازنشستگان گامی به پیش**

بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی باردیگر با طرح خواست ها و مطالبات اقتصادی و سیاسی خود دست به اعتراضات گسترده و سراسری زدند. هم‌زمان تهران، تبریز، اصفهان، کرمانشاه، کرمان اهواز، شیراز، یزد، کرج، اهواز و دیگر شهرها شاهد اجتماعات و تظاهرات بزرگ بازنشستگان و مستمری بگیران بودند. اقشار کارگر و زحمتکشی که عمری را در کار و سازندگی سپری کرده اند ولی از ابتدائی ترین حقوق اقتصادی، صنفی و اجتماعی و رفاهی برخوردار نیستند.

تجمع و تظاهرات روز ۲۶ بهمن ماه امسال در مقایسه با تجمعات ماه های گذشته چه از نقطه نظر وسعت و سراسری بودن و چه از نقطه نظر حضور گسترده و شعارها و مطالبات اقتصادی و سیاسی، از برجستگی خاصی برخوردار بود و نشاندهنده ارتقاء سطح آگاهی و سازمانیافتگی بیشتر و با صفوفی متحدتر در مبارزه برای تحقق خواست هایشان بود. بازنشستگان و مستمری بگیران از جمله اقشار زحمتکش و کم درآمد جامعه هستند که در نتیجه تورم و گرانی سرسام آور، مایحتاج اولیه زندگی بویژه گرانی دارو، درمان و سایر خدمات مورد نیاز سالمندان تحت فشار اقتصادی شدیدی هستند.

ادامه در صفحه ۲

دستگیرهای گسترده فعالان مدنی.**سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی****کردستان**

صفحه ۵



تجمع سراسری بازنشستگان گامی به پیش

ادامه از صفحه اول

اقدام سراسری و گسترده و شجاعانه بازنشستگان امروز حرکت بزرگی بود از سوی این بخش از زحمتکشان و محرومان کشور در پیکار علیه ستم و استثمار و زور و سرکوبی که طبقه حاکم و دستگاه دولتی مذهبی و سرکوبگر آن بر کشور حاکم کرده اند اعتراضات و مبارزات بازنشستگان زحمتکش، به سیاست های اقتصادی و سیاسی است که به نفع دسته ای از مافیای قدرت و ثروت و بقیمت فقر و خانه خرابی اکثریت عظیم توده های رنج و کار، بزور سرکوب و نفی ابتدائی ترین آزادیهای سیاسی به پیش برده میشود. تردیدی در این نباید داشت که این مبارزات ادامه یافته و روز بروز گسترده تر و متحدتر خواهد شد و سطح سازمانیابی و ارتقای مطالبات و گستردگی اجتماعت سراسری بازنشستگان امروز برای جنبش کارگری که در تقلا با زیایی و ارتقاء شکل و وحدت خود است از اهمیتی شایان توجه برخوردار است.

۲۶ بهمن ۹۹

شعارهای آنها نیز تبلوری از خواست و اهداف مبارزات توده های کارگر و زحمتکش را داشت. بویژه باتوجه به اینکه اجتماعات بازنشستگان نیز مثل سایر تجمعات زحمتکشان با تهدید و توبیخ و فشار و سرکوب نیروهای امنیتی رژیم مواجه بود. قبل از فرا رسیدن روز تظاهرات و تجمعات، نیروهای امنیتی و ارگانهای رنگارنگ سرکوب با اعمال فشار و تهدید و احضارهای پی در پی ایجاد جو رعب وحشت و ایجاد موانع در راه حرکت بازنشستگان بودند. از این رو تجمع کنندگان با شعارهایی نظیر "فریاد از این همه بیداد"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ماخالیه" صندوق بازنشسته، سرقت دزدان گشته" نبود شد این شستا، بدست این مافیا"، "هلاکت عمومی حقوق های نجومی"، "زحمتکشان دیروز معترضان امروز"، "نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت"، و شعارهای مشابه تلاش کردند تا جو رعب و وحشت ایجاد شده توسط سرکوبگران رژیم سرمایه را درهم بشکنند. و توطئه آنها را عقیم بگذارند.

مطالبات و خواست های بازنشستگان از جمله خواست های همه کارگران و زحمتکشان محسوب میشود که در قطعنامه تجمعات صادره در ۲۶ بهمن بیان شده است در این قطعنامه علاوه برخواست "ترمیم عقب ماندگی و افزایش حقوق بازنشستگان، اجرای همسان سازی واقعی و رفع تبعیض و پرداخت بدهی های دولت به صندوق تامین اجتماعی، خواست مهم تامین اجتماعی و خدمان درمانی رایگان و برخورداری از شکل مستقل، حق مسکن نیز از نکات برجسته خواسته های تجمعات بازنشستگان است که در واقع به دو نقطه کلیدی نیاز کارگران به تشکیلیابی مستقل از یکسو و خدمات درمانی رایگان و داشتن مسکن مناسب از سوی دیگر تاکید دارد. که میتواند و باید تمام کارگران و مزد بگیران کشور از آنها حمایت بکنند.

خواست ها، مطالبات و راستای مبارزات بازنشستگان علاوه بر اینکه در مفاد قطعنامه صادره جمع بندی شده است در



پیام سازمان اتحاد فدائیان کمونیزست به مراسم برگزاری پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل

ادامه از صفحه اول

رفقا

هدف آنهائیکه در دهه چهل و پنجاه شمسی سلاح بدست گرفتند و جان درکف دست نهادند و آتش مبارزه را بر فراز کوه و شهر برافروختند؛ چیزی نبود جز رهائی انسان از بند ستم و استثمار، زور و سرکوب و تبعیض و نابرابری، در یک کلام عشق به آزادی و سوسیالیسم.

درصد سال گذشته، یعنی از انقلاب مشروطه به این سوی نبرد جبهه آزادی و سوسیالیسم با جبهه استبداد، ارتجاع، خرافه پرستی تبعیض و ستم و استثمار، تاریخ تحولات کشور ما را رقم زده است. هر وقت جبهه آزادی و سوسیالیسم قوی بوده و با پراتیک انقلابی، توده های زحمتکش مردم را در صحنه نبرد یاری رسانده است. موفقیت های تاریخی و چشمگیری بدست آورده و هرگاه ضعیف و پراکنده و فاقد انسجام لازم بوده و از طرف سازشکاران و خودپرستان و فرصت طلبان احاطه شده است، در برابر دشمنان آزادی و سوسیالیسم ناتوان شده و توده های مردم دچار شکست های پی در پی گردیده اند.

در این نبرد پرفراز و نشیب، حماسه سیاهکل و تشکیل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار است و تاثیر مهم و تاریخی در مبارزات آزادیخواهانه و سوسیالیستی برجای گذاشته است.

در اواخر دهه ۱۳۴۰ هجری که دستگاه جهانی شاه به کمک امپریالیست ها هر ندای

بهمن ۵۶ تبریز به شعله ای تبدیل شد که به فاصله کمتر از یکسال سراسر ایران را فراگرفت و در ۲۲ بهمن ۵۷ با قیام مسلحانه توده ها، رژیم ستم شاهی به گور سپرده شد. اما نباید فراموش کرد که نه اقدام انقلابی رفقای ما و نه خیزش توده های زحمتکش مردم و اعتصاب عمومی کارگران، به تنهایی و بدون تشکل و آگاهی طبقه کارگر و به میدان آمدن این طبقه قدرتمند و بدون سرنگونی نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، نتوانست آرمانهای رزمندگان سیاهکل و توده های قیام کننده در بهمن ۵۷ را متحقق سازد. همانطور که به تجربه دیدیم، هرچند در نتیجه رزم دلاورانه چریکهای فدائی خلق و قیام شکوهمند بهمن ماه رژیم شاه سرنگون شد، اما باز هم برای چندمین بار سرمایه داران و صاحبان قدرت و ثروت ایران در سازش با امپریالیسم و ارتجاع داخلی قدرت سیاسی را در چنگ خود حفظ کردند و با تلفیق دین و دولت یکی از ارتجاعی ترین روبنای سیاسی را بر جامعه ما حاکم گردانیدند و سرکوب جنبشهای اجتماعی و کشتار انقلابیون و آزادیخواهان را از سرگرفتند.

در این برهه از زمان که پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل را گرامی میداریم، طبقه کارگر ایران و زحمتکشان، زنان، جوانان و ملیت های تحت ستم و استثمار، نویسندگان، هنرمندان و اقشار محروم جامعه درگیر مبارزه ای سرنوشت ساز با نظام استثمارگر و ستمگر حاکم هستند. در سالهای

آزادیخواهی را در نطفه خفه میکرد و ایران را جزیره ثبات مینامید و هنگامی که ستم و استثمار، فقر و سرکوب جان توده های زحمتکش مردم را بلب رسانده بود و احزاب و سازمانهای سیاسی در یاس و بی عملی در انتظار معجزه ای روزگار می گذراندند. عده ای از جوانان کمونیست با جمعبندی از وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه و تدوین تئوری مبارزه مسلحانه، در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه تحول نوینی در جنبش کارگری و سوسیالیستی ایجاد کردند، نظام ستمگر شاهنشاهی و امپریالیستهای حامی آن را به مصاف طلبیدند. قدر قدرتی رژیم را بزیر سوال برده و کارگران و زحمتکشان را برای احقاق حقوق خود به تشدید مبارزه ترغیب و تشویق کردند.

مبارزه مسلحانه با این امید آغاز شد که ترس و وحشت نهادینه شده در دل طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم و فضای یاس و ناامیدی حاکم بر جامعه درهم شکسته شود و طبقه کارگر و توده های زحمتکش به قدرت لایزال خود آگاه شوند، تا با سلاح آگاهی و تشکل، نظام ارتجاعی حاکم را سرنگون کرده و سرنوشت خود را در دست گیرند.

چند سالی از حماسه سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه نگذشته بود که به رغم شهادت بسیاری از رفقا در زیر شکنجه و میدانهای نبرد و تیرباران، آموزه های اقدام انقلابی آنان در خیزش توده ای و قیام قهرآمیز

اخیرا اعتصابات بی وقفه کارگران و قیامهای متعدد زحمتکشان و تداوم این مبارزات مبین این واقعیت انکارناپذیر است که تضادهای کارگران و زحمتکشان، یعنی اکثریت جامعه با اقلیتی از صاحبان قدرت و ثروت و رژیم سیاسی مذهبی و سرکوبگر آن به نقطه حاد خود نزدیک میشود. در چنین شرایطی وظائف بزرگی برعهده ما فدائیان کمونیست و همه فدائیان قرار دارد که به آرمانهای انقلابی و آزادیخواهانه و سوسیالیستی رزمندگان سیاهکل و چریکهای فدائی پایبندند.

رفقا! تا وقتی که ستم و استثمار و زور و سرکوب هست، پرچم سیاهکل در اهتزاز خواهد بود.

چراکه برغم سازشکاری و خیانت و خیانت افرادی که در شرایط ویژه در رهبری سازمان قرار گرفتند، اما رزم انقلابی و ازجان گذشتگی فدائیان انقلابی در راه آزادی و رفاه و سعادت توده عظیم کار و زحمت و صداقت در گفتار و کردار، درحافظه تاریخی جامعه ماندگار بوده و امروز در مطالبات، اهداف و مبارزات کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و خلقهای تحت ستم و استثمار تبلوری عینی دارد و فدائیان انقلابی را از پتانسیل لازم برای تاثیرگذاری جدی بر تحولات اجتماعی و مبارزات جاری برخوردار میکند. از این روی وظیفه هر فدائی انقلابی است که در داخل و خارج کشور در محل کار و زیست و در مدرسه و دانشگاه در محافل و تجمعات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان، در مراکز فرهنگی، هنری، دانشجویی، در کوی و برزن و هر جای دیگری که هستند و به هر شکلی که میتوانند در مبارزات جاری شرکت کنند و با دست رد زدن به سکتاریسم، دکماتیسم و سازشکاری و خودمحوربینی در هر حدی که امکانپذیر است با رعایت اصل تلفیق کارعلنی و مخفی دست اتحاد

و همکاری بهم داده و بصورت هسته ها و محافلی با مضامین مبارزاتی و مطالباتی مختلف، متحد شوند. به سازماندهی، سازمانیابی و مبارزات طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم یاری رسانند. پیگیری این اهداف میتواند تحول مهمی را در مبارزات جاری و خیزشهای آینده توده های زحمتکش مردم رقم زند و نقش مهمی در انسجام نیروی انقلابی و چپ جامعه بازی بکند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در پی گیری مشی انقلابی بنیانگذاران سازمان مبنی بر تلاش جهت رفع پراکندگی جنبش کمونیستی و تامین ارتباط ارگانیک با طبقه کارگر یاری به تشکل و تحزب کارگران و نیز گردآوری متحدین طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه در زیر چتر جبهه ای انقلابی برای سرنگونی نظام حاکم و استقرار سیستم اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها، به این وظیفه سترگ خود آگاه بوده و در این راه از هیچ کوششی فرو گزار نکرده و نخواهد کرد و به سهم خود از همه احزاب و سازمانها و افراد کمونیست و انقلابی بویژه از کمونیستهایی که در صفوف سازمان فدائی مبارزه کرده و تجربه اندوخته اند، دعوت میکند تا صفوف خود را متحد کنند و به جای دامن زدن به تفرقه و پراکندگی، در این کوششها وحدت طلبانه اصولی و انقلابی سهیم و شریک شوند.

به یاد داشته باشیم که سالگرد حماسه سیاهکل و قیام تاریخی ۲۲ بهمن انجام وظایف و پیگیری اهدافی را به ما گوشزد میکنند که هزاران رفیق ما و ده ها هزار انسان آزادیخواه و سوسیالیست برای تحقق شان جان باخته اند. اهدافی که از آسمان نازل نشده اند بلکه انسانی ترین و مبرمترین خواست ها و آمال و آرزوهای کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان، روشنفکران و بطور کلی نیروی کار و زحمت

جامعه ما هستند که بوسیله مافیای قدرت و ثروت انکار و سرکوب میشوند.

بیانید به مناسبت این دو روز تاریخی ۱۹ و ۲۲ بهمن، یاد و خاطره همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی داریم و از تجربیات نسل های گذشته در جهت تحکیم صفوف خود و گسترش مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم ارتجاعی حاکم و رسیدن به جامعه ای عاری از ستم استثمار و زور و سرکوب استفاده کنیم.

گرامی باد یاد جان باختگان حماسه سیاهکل و قیام خونین بهمن ماه

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۱۹ بهمن ماه ۱۳۹۹

نشریه راه سرخ ارگان

فعالین داخل کشور سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست . راه

سرخ صدای کارگران و

زحمتکشان و تمامی کسانی

است که به مبارزه برای

سرنگونی انقلابی رژیم

ارتجاعی جمهوری اسلامی و

نفی هرگونه استثمار و

کارمزدی باور داشته و در این

راه از هیچ چیز دریغ نمی

نمایند. از طریق ایمیل ادرس :

Rah_sorkh@yahoo.com

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با دست اندرکاران نشریه در میان بگذارید .

دستگیریهای گسترده فعالان مدنی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی کردستان

طی دو هفته گذشته نزدیک به ۱۰۰ نفر از شهروندان کرد، شامل عده ای از فعالان سیاسی، مدنی، فرهنگی و محیط زیست در مناطق مختلف ایران دستگیر شده اند.

طبق گزارشات منتشره، بازداشت این شهروندان در شهرهای تهران، کرج، کرمانشاه، سروآباد، کلاترزان، مریوان، سنندج، بانه، سقز، ربط، بوکان، نقده، پیران شهر و مهاباد روی داده است.

در آخرین موارد از این بازداشتها، روز شنبه چهارم بهمن ۱۳۹۹ یک شهروند اهل سنندج با نام «سیروان امینی» توسط نهادهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

طی روزهای گذشته همچنین یک شهروند ۲۵ ساله اهل بوکان با نام «سردار محمدپور»، از ساکنان روستای «آلی کند» توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

سازمانهای حقوق بشری کردستان میگویند بازداشتهای چند روز اول توسط سازمان اطلاعات سپاه ارومیه انجام شده و بعد از آن وزارت اطلاعات هم در شهرهای دیگر، شهروندان کرد را بازداشت کرده است.

طبق روال معمول این بازداشتها سرزده و با یورش به منازل و محل کار افراد توأم با ضرب و شتم و تهدید انجام گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی به افراد بازداشت شده اجازه دسترسی به وکیل نمیدهد، بلکه متهم را ابتدا زیر شکنجه میبرند و بعد از اعترافات اجباری ممکن است به برخی از آنها اجازه ملاقات با وکیل را بدهند.

اخیرا تعدادی از فعالین مدنی نیز در شهرهای آذربایجان دستگیر شده اند. علاوه بر این، شناسائی و دستگیری فعالان جنبشهای اجتماعی و اعتراضی در سایر نقاط ایران نیز افزایش یافته است و شواهد و قرائن از تشدید سرکوبگری رژیم در سطح جامعه خبر میدهد.

بازداشتهای گسترده در کردستان در هفتههای اخیر نشان از نگرانی عمیق سردمداران رژیم از تحولات احتمالی در منطقه و ایران دارد.

خلق تحت ستم و استثمار کردستان همچون سایر مناطق ایران سالهای متمادی است که برای آزادی، برابری و رفع ستم ملی مبارزه میکند و از ابتدائیترین حقوق انسانی خود محروم است. ما ضمن محکوم نمودن دستگیریهای اخیر فعالین کرد، کارگران و زحمتکشان کردستان و سراسر ایران را به حمایت از خواستها و مطالبات زحمتکشان کردستان و اعتراض به سرکوبگریهای رژیم فرا میخوانیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ششم بهمن ماه ۱۳۹۹

اطلاعیه شورای همکاری در باره.

مستندهای امنیتی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی علیه چپ ها و کمونیست ها!

سنگربندی انقلابی وحشت دارد، از انقلاب کارگران و مردم محروم برای آزادی و رفاه و اعمال اراده توده ای و شورائی می ترسد. رژیم سخت نگران تکرار تاریخ و به زباله دان رفتن است. دلیل حمله به احزاب و سازمانهای کمونیست و شخصیت های سازنده و دخیل در رویدادهای مهم سیاسی ایران از جمله انقلاب ۵۷ و جنگ در کردستان ریشه در این واقعیات دارد. این روایت جعلی از تاریخ آن جامعه با هزاران شاهد زنده و دخیل در لحظات مهم آن، واضح است تاثیر جدی ندارد. بویژه در کردستان که هیچوقت سلطه جمهوری اسلامی را نپذیرفته و همواره در یک تنش مداوم با حکومت اسلامی بوده است، تاثیری ندارد. این اقدام جمهوری اسلامی نشان میدهد سیاست سرکوب تاکنون به اهداف مورد نظر نرسیده است.

ما سازمان ها و احزاب چپ و کمونیست، بعنوان کادرهایی که در این تاریخ درگیر و شریک بودیم، اعلام میکنیم که انقلاب ایران برای اسلام و خمینی و آوردن جمهوری اسلامی نبود، برای آزادی و برابری و نفی سلطه استبداد و اختناق بود. این انقلاب بدلیل محدودیتهای تاریخی اش، علیرغم جنگ ها و مقاومت ها و اعتصابات و تظاهراتها، به پیروزی

نزدیکترین عناصر کلیدی خود را با توطئه و ترور از سر راه برداشته است، به اپوزیسیون انقلابی و کمونیست ها اتهام سرکوب و قتل و اذیت و آزار مردم و جنگ قدرت بزند، مضحک است. واقعیت اینست که بیش از چهل سال گذشته است، نه جامعه ایران همان جامعه سال ۵۷ است، نه مردم همانند، نه وضعیت سیاسی و اپوزیسیون همان موقعیت دوره انقلاب ۵۷ را دارد. چه کسی نمیداند که حکومت اسلامی در محاصره نفرت و نارضایتی و یورش کارگران و مردم زحمتکش برای سرنگونی کلیت این نظام است؟ چه کسی از رویدادهای سالهای اخیر و خیزش های توده ای عظیم علیه حکومت فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری خبر ندارد؟ چه کسی از موقعیت زبون و وخیم رژیم اسلامی اطلاع ندارد؟ و بالاخره چه کسی نمی داند که سیاست امروز در ایران، بیش از هر زمان در صد سال گذشته و دهها برابر دوره انقلاب ۵۷، از کارگر و اعتصاب کارگری و تمایلات چپگرایانه و سوسیالیستی الهام میگیرد؟

اما جمهوری اسلامی با این تلاشهای نخ نما به کدام درد بی درمانش پاسخ می دهد؟ حقیقت اینست که جمهوری اسلامی از تکرار تاریخ می ترسد، از عمل انقلابی و خیزش توده ای و

یک جبهه جنگ جمهوری اسلامی با رادیکالیسم و تلاش برای تغییر، "کار فرهنگ" و جدال برسر جا انداختن روایت جعلی از تاریخ بطورعام و انقلاب ۵۷ بطور خاص بوده است. بخش هائی از سریال "روزهای ابدی" و مستند امنیتی "لبه دوم تیغ" که از صدا و سیمای رژیم در مورد رویدادهای بعد از انقلاب در کردستان تهیه و پخش شدند، ادامه برنامه های امنیتی و شوهای "هویت"، "چه مثل چگوارا"، انتشار کتاب ها و اسناد علیه چهره های جنبش چپ از قبل از انقلاب تاکنون است. قرار است علیه انقلابیگری و عمل انقلابی، علیه سازماندهی مقاومت توده ای و مسلحانه در مقابل یورش نظامی، علیه نفس انقلاب و تحول انقلابی، علیه سازندگان و رهبران مشهور چپ و کمونیست در مقاطع و رویدادهای مهم بعد از انقلاب و در کردستان روایت دیگری بدهند. قطعاً از آن تاریخ روایت های مختلفی وجود دارد، اما قبل از اینکه از صحت هر روایتی حرفی در میان باشد، صحبت برسر جایگاه راوی است.

تصور اینکه رژیمی مرتجع، ضد انقلابی، خشن، که با کشتار سر کار آمده و با اعدام و نسل کشی در مقاطع مختلف سرپا مانده است، رژیمی که حتی

نرسید و نهایتاً توسط ضد انقلاب اسلامی به خونین ترین شکل درهم کوبیده شد. "انقلاب اسلامی" خمینی اتفاقاً دست سازترین رژیم مورد حمایت آمریکا و دول غربی برای سرکوب انقلاب چپگرایانه ۵۷ بود. ما اعلام میکنیم مقاومت و مبارزه با رژیم ضد انقلابی و بورژوازی اسلامی، مقابله با سرکوب شوراها و سازمانها و احزاب سیاسی و قلع و قمع انقلابیون، مقابله با تبعیض و سرکوب و کشتار، یک عمل تاریخی و انقلابی بود. ما به مقاومت و مبارزه چهاردهه نسلهای مختلف کارگران و مردم آزادیخواه درود میفرستیم و از آن قاطعانه حمایت می‌کنیم.

ما بویژه از تلاش و مبارزه اکثریت عظیم مردم در کردستان برای نه گفتن به جمهوری اسلامی و دفاع از آزادیها و دستاوردهای انقلاب دفاع میکنیم. این حق کارگران و مردم زحمتکش است که در مقابل تهاجم نظامی و سرکوب و بمباران و کشتار از خود دفاع کنند. این حق مردم این کره خاکی است که برای درهم شکستن استبداد و حکومت سرمایه دست به عمل انقلابی بزنند. کردستان "سنگر انقلاب" بود و سنتهای انقلابی هنوز در آن قویاً ریشه دارد. ما سناریوها و مستند سازی امنیتی حکومت علیه نیروهای اپوزیسیون و شخصیت های خوشنام تاریخ مبارزه انقلابی و کمونیستی را محکوم میکنیم.

و بالاخره تاکید میکنیم که نظر به اوضاع متحول و ملتهد ایران، ما به سمتی میرویم که بدون مبارزه انقلابی، بدون فداکاری فردی و جمعی، بدون بکارگیری قهر انقلابی در مقابل ماشین سرکوب و قوه قهریه ضد انقلابی نمی‌توانیم پیروز شویم. بار دیگر باید همه جا آماده شویم، در این نبرد باید پیروز شد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۱۵ بهمن ۱۳۹۹ - ۳ فوریه ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

**مبارزه برای خواست های
عمومی دموکراتیک و پیش
برد پیگیر و رادیکال آن ، از
مبارزات طبقه کارگر برای
آزادی و برابری جدائی
ناپذیر است ، به این منظور
طبقه کارگر میباید ضمن حفظ
استقلال طبقاتی خود به
سازماندهی خواستهای عمومی
، دموکراتیک در سطح
وسیعتری اقدام کند و سهم
خود در جهت وحدت
بخشیدن به این مبارزات در
اشکال خاص خود ، نظیر جبهه
مبارزه برای آزادیهای
دموکراتیک و اتحاد عمل
های مقطعی و سازماندهی
نشریات و تشکل های
دموکراتیک کوشش کند .**

**برای مبارزه سازمان یافته کارگران وزحمتکشان و
برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی
وبرقراری سیستم اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی
برشوراها دریک جبهه انقلابی، متحد شویم .**

تأثیر جنبش کارگری بر جنبش سياهکل - پنجاه سال تأثیر فرهنگ سياهکل بر جنبش کارگری

مهدي کوهستاني

ادامه از صفحه یک

... چند ماه بعد از آن انفجار ماندلا در دادگاه اش اعلام می کند: در طول زندگی زمانی می رسد که انسان دیگر حق زندگی برای خودش قائل نیست. آن هم زمانی است که تنها شیوه ای زندگی خارج از قواعد ناخواسته ای است که برایش تعیین شده است و دولت قوانین تحمیلی را جلوی پای انسان می گذارد. من به طرف این شرایط کشیده شده ام که برای رسیدن به خواست و تصمیم ام هیچ احساس پشیمانی نمی کنم. دیگران نیز به این راه کشیده خواهند شد، دلیل اش فشار پلیس، سیستم سیاسی و عملکرد دولتی است. (ص ۳۳۲ راه طولانی به سوی آزادی)

در پنجاهمین سالگرد سياهکل هنوز شبخ آن حرکت برفراز جامعه ای سیاسی-کارگری ایران در گردش است. روشنفکران ضد عدالتخواه قلم و کلام اش بر علیه سياهکل کار می کند، فقط ماهنامه اندیشه پویا نیست که در تمامی فصل ها مقالات ضد سياهکل و مبارزین آن جنبش می نویسد بلکه بسیاری که خود را روزگاری متعلق به آن سنت می دانستند اردوگاه عوض کرده اند و در ضدیت با سياهکل از خود مامورین امینتی سابق پیشی گرفته اند بر خراب کردن سياهکل و نیروی بوجود آورنده اش. سياهکل شروع یک حرکت متفاوت در مبارزات جامعه ایران است و هنوز هم متفکرین بسیاری در راه رمزگشایی آن حرکت هستند. حرکتی که از رسیدن سه هسته عدالتخواه در یک پرسه تجانس مابین سال های ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۹ شکل گرفت و توانسته بودند به یک پراکسیس واحد و هنر سازماندهی اشان کاری

سرکوب بود. این سازمان مخفی علنیتی در خود داشت که وحشت را به سخره گرفت و سازماندهندگان اش افرادی بودند نه عاشق تفنگ بلکه حماسه اشان در شکست ترس بود. ولی این سازمان که تعداد افرادش زیاد نبود ولی توانست بخش وسیعی از جامعه را به هواداری از خود بکشاند. در این راه بود که این نیرو توانست به درون جنبش کارگری برود و تا به امروز شبخ اش برفراز مبارزه جامعه طبقاتی ایران در گردش است.

سياهکل جنبشی بود که تا حدودی راه پیشینیان اش را پیش گرفت و خطی را ترسیم کرد و برایش فداکاری کرد تا نشان دهد دنیایی دیگری را می توان بوجود آورد، دنیایی که در آن زمان محصول رقابت دو قطب شرق و غرب بود و برای بوجود آوردن عدالتخواهی باید مستقل بود استفاده کردند. شناسنامه اش در کودتای ۲۸ مرداد سی و دو است، مبارزات دهه بیست نشان داد که نیروی سرکوبگر فقط برای از بین بردن خواست ملی شدن نفت به میدان نیامده بود بلکه برای نابودی مجموعه جنبش چپ و کارگری نقشه راه داشت. در دهه بیست و سی حزب توده و شورای متحده خود را نشان داده بودند. برای اثبات این امر نیاز به آوردن فاکت های زیاد یا استدلال پیچیده نیست. کافی است سری به منابع مستقل دهه سی شمسی زد و محاکمات دکتر محمد مصدق بزینم و آن را به دقت مطالعه کنیم و قدرت کارگران و نیروهای چپ در آن دوره به خوبی آشکار است. در فروردین ماه ۱۳۳۳ نک تیز حمله رو به جنبش کارگری است، ۳۵ تن از اعضای شورای متحده مرکزی که از رهبران شورای ایالتی تهران این سازمان بودند دستگیر شدند. با وجود این مقامات سفارت آمریکا برآورد می کردند که در سال ۱۳۳۴ گروهی از رهبران اصلی که شمارشان نزدیک به ۵۰۰ نفر می رسد، سازمانی از مسئولان اتحادیه را هم چنان حفظ کرده اند. در بهمین

ماه ۱۳۳۳ یعنی حدود یک سال و نیم پس از کودتا، حکومت نظامی موفق به کشف و دستگیری رهبران شورای متحده کارگری شد. آنها که پس از کودتا توانسته بودند سازمان مخفی خود را حفظ کنند، در راه اندازی چند اعتصاب از جمله اعتصاب کارگران کفاح اهمیت مبارزات کارگری را نشان داده بودند. به همین جهت حکومت کودتا با تمام توان در جهت کشف شبکه رهبران کارگری در تلاش بود و در یورش بهمن ماه توانست بیش از ۵۰ تن از رهبران کارگری شورای متحده را دستگیر کند و زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار دهد. از آن پس تا سالها بعد مبارزات کارگران به شدیدترین وجه سرکوب می شد.

پس سوال اساسی که در برابر نیروی عدالتخواه دهه چهل شمسی قرار داشت عبارت از این بود که چه کاری نباید کرد، چگونه سازماندهی نیاز است و چگونه دوباره به درون طبقه کارگر رفت، و پیوندی نزدیک با آن برقرار کرد و با ترفندهای ساواک چگونه باید مقابله کرد و بر تشتت نظری و پراکندگی موجود که میراث شکست سیاست حزب توده بود در میان محافل و گروه‌های چپ چگونه غلبه کرد و نیروهای از هم جدا را چگونه می توان در یک نهاد متفاوت از قبل جمع کرد. تغییرات اقتصادی پس از اصلاحات ارزی چه بود و جنبش جهانی در چه وضعیتی بود و در مقابل جنبش عدالتخواهی ایران چه راهی وجود داشت. محافل و گروه‌هایی که صرفاً به کار مطالعاتی می پرداختند و عموماً دچار بی عملی بودند و از عمل مبارزاتی پرهیز می کردند و معمولاً هم توسط ساواک ضربه می خوردند و از هم می پاشیدند، گرایش‌ها، گروه‌ها و محافلی نیز وجود داشتند که تحت تأثیر انقلاب چین، طرفدار مبارزه مسلحانه بودند. این گروه‌ها و محافل که بخشاً از حزب توده جدا شده و اساساً در خارج کشور بودند، می خواستند به

سبک چین و محاصره شهرها از طریق روستاها، انقلاب کنند و در همین رابطه نیز تعدادی از آنها به ایران آمدند تا این برنامه را پیاده کنند. به عنوان مثال سازمان‌هایی مانند سازمان انقلابی و طوفان که پس از پایان کار حزب توده در ایران و انشعاب از این حزب به وجود آمده بودند و از مشی چین طرفداری می کردند، می خواستند به سبک چین در ایران جنگ دهقانی برپا کنند.

از دل همین وضعیت و با شناخت شرایط همان دوره است که بهترین، فداکارترین فعالین آن دوران برای رسیدن به یک جامعه فارغ از ظلم و ستم و استثمار، آگاهانه قدم در راهی گذاشتند که آگاه بودند که شاید بازگشتی در آن وجود ندارد. راه گشائی جدید همواره نیاز به شجاعت و فداکاری دارد. بدون رهروان ثابت قدم و از جان گذشته هیچگاه راه جدید مبارزه پیش نرفته است، برای این راه هگشائی دو چیز ضروری بود

۱- آنکه در این مسیر یک تئوری بنیادی باید وجود داشته باشد تا آنکه مسیر جدید را به صورت کلی بتواند ترسیم کند و گذشته جنبش چپ و کارگری را به نقد بکشد که این نقد در زمینه تئوری نمیتوانست انجام پذیرد مگر آنکه پیرایه‌های گذشته از جنبش زدوده شود

۲- راهگشائی عملی متناسب با این تئوری انقلابی که این امر با توجه به ضربات گذشته و انفعال چپ در کودتای ۲۸ مرداد ضرورتاً نیاز مبرمی به ته‌ور و صف شکنی داشت که راه باید گشوده می شد و این مسئله نیز همواره بایستی سر لوحه هر حرکتی باشد که میخواهد مبارزات را در مسیری جدید قرار دهد.

علی اکبر صفایی فراهانی مدت ها قبل از سیاهکل در کتاب آنچه یک انقلابی باید بداند همانند یک نیروی دمکرات انقلابی معتقد

است: ما با فرهنگ غرب دشمنی نداریم، ما تکنولوژی غرب را هم فی نفسه دشمن خود و فرهنگمان نمی شناسیم. ما با روابط استعماری غرب، با کاپیتالیسم غول پیکر و با همه آن چیزهایی که ملت ما را در فقر و عقب ماندگی نگه داشته عناد می ورزیم... قصد داریم که شخصیت ملی خود را همراه تکنولوژی غرب بدست آورده و با قرار گرفتن در صف اول پیشرفت و ترقی به فرهنگ جهان کمک کنیم. (ص ۵۶ و ۵۷) تحولات اخیر گرچه پیروزی نیروهای مترقی ایران را به تعویق انداخته لکن مرحله مترقی تری از انقلاب را در مقابل این نیروها قرار داده است (ص ۵۸) بانک‌ها، معادن و صنایع کلا و سرمایه‌های خارجی به مالکیت دولت در می آید. بخش خصوصی زیر ارشاد دولت قرار گرفته از برنامه دقیق هماهنگ توسعه صنعتی پیروی می کند. (ص ۵۹) مراکز دولتی تشویق به تشکیل و تاسیس مزارع اشتراکی می شوند. درآمدهای ملی سطح تولید و سطح زندگی دهقانان را ارتقا دهد... جامعه مصرف کننده فعلی باید طی دو مرحله توسعه اقتصادی به سود اکثریت ملت یعنی طبقات محروم و ستمکش، پاره‌ای محرومیت‌ها را تحمل کند (ص ۶۱) رابطه ایران با دیگر ملل جهان روابطی دوستانه و توأم با همکاری و حسن تفاهم خواهد بود... ایران دمکراتیک در حال استقلال کامل خود را در اداره سیاسی خود و در کلیه قلمروهای داخلی و خارجی از دست نخواهد داد و تابع هیچ قدرت خارجی نخواهد شد. (ص ۶۴) اکنون در جهان کشورهای متعددی هستند که از حداکثر وحدت ملی برخوردارند در حالیکه از خلقهای گوناگون و ایالات و جمهوریهای خودمختار یا فدراتیو تشکیل شده اند (ص ۶۵) پس از نابودی هرگونه ستم ملی و مذهبی است که ملت ایران به یکپارچگی بیسابقه ای دست خواهد یافت (ص ۶۶)

تأثیر جنبش کارگری بر جنبش سیاهکل - پنجاه سال تأثیر فرهنگ سیاهکل بر جنبش کارگری

یدالله زارع کاریزی (کارگر کارخانه نپتون)، عبدالله کریم پور (کارگر اسکله)، حسن محمدی (راننده، جهان بخش پایداری)، بهنام امیری دوان (کارگر کارخانه کارتون سازی و کفش وین)، اکبر پارسی کیا (کارگر چاپ) رجوع شود به آرشیو نشریات سازمان های فدایی { را دل خود بپروراند و احمد اشرف در مقاله کالبد شکافی انقلاب نقش کارگران صنعتی در انقلاب ایران را اینگونه توضیح می دهد: از سال ۱۳۵۲ به علی چند، فعالیت ها و مبارزات صنفی - رفاهی کارگران در کارخانه های بزرگ افزایش چشمگیر می یافت و شمار متوسط اعتصاب ها تا ۱۳۵۵ به متوسط سالانه ۲۲ اعتصاب می رسید. رشد سریع کارخانه های بزرگ و تمرکز کارگران در قطب های صنعتی کشور و تبلیغات سازمان های چپ و به خصوص توجه دو سازمان پیشگام چریکی فدایی و مجاهد به طبقه کارگر، سعی سازمان های چپ به رخنه کردن در کارخانه ها و برپایی اعتصاب ها (که هر چند از نظر مادی پیشرفت چندانی نداشت اما به لحاظ ذهنی تمامی افکار جامعه را به خود مشغول کرده بود و اقشار آگاه طبقه کارگر را در کنار خود داشت و توانست معدودی از اعتصابات را در کارخانه ها به راه بیاورد که این اعتصابات از عوامل مؤثر در افزایش اعتصاب ها با خواست های رفاهی و موفقیت نسبی آن ها بودند. با اوج گیری انقلاب در مراحل دوم و سوم در ۸ ماهه نخست ۱۳۵۷ اعتصابات صنفی به ۱۰ مورد کاهش

در سال های ۱۳۵۰-۱۳۵۲ (به ویژه تظاهرات خونین کارگران جهان چیت) جنبش کارگری را اثرگذار کرده بود. در اعتصاب کارگران جهان چیت ۱۵۰۰۰ کارگر شرکت داشتند که در اثر حمله پلیس تعدادی از کارگران کشته و زخمی شدند. [کارگر تبعیدی، شماره ۱]. اعتصاب کارگران ایران ناسیونال و کارگران چاپخانهی افست، اعتصاب ۴۰ روزهی کارگران نفت آبادان در سال ۱۳۵۳، اعتصاب کارگران ایران ناسیونال در سال ۱۳۵۴، اعتصاب در صنایع نساجی، ذغال سنگ و نفت در سال ۱۳۵۵ از دیگر موارد اعتصابات در این سال ها است. اعتصاب کارگران شرکت نفت آبادان در نهایت منجر به دستگیری ۱۶ کارگر شد [همان منبع]. اعتصاب بی شمار کارگران در همه ی رشته ها در سال ۱۳۵۶ و بالاخره اعتصاب های عظیم سرنوشت ساز و سراسری سال ۱۳۵۷ را هم باید اضافه کرد. این جنبش بود که توانست اسکندر صادقی نژاد (کارگر تراشکار، بینان گذار و دبیر سندیکای کارگران فلزکار مکانیک) جلیل انفرادی (گروه سیاهکل، کارگر جوشکار، دبیر سندیکای کارگران فلزکار مکانیک)، حسن نوروزی (کارگر راه آهن) یوسف زرکار (راه آهن)، جعفر اردبیلچی (آهنگر) اصغر عرب هریسی (آهنگر)، مناف فلکی (کارگر قالیباف)، محمد چوپان زاده (کارگر بنا)، رحیم خدادادی کارگر (مزرعه و کوره پزخانه)، کاظم شهید ثالث (کارگر شرکت "ریمینکو")، بندعلی مرادی (کارگر خیاط)، حسین قاسم نژاد (کارگر خیاط)، خلیل هوشیاری (کارخانه های رشت)، علیرضا کیایی (نفتگران پالایشگاه تهران)، خشایار خواچیان، محمد حسین دیانک، مرتضی (ایوب) کریمی (کارگر چاپخانه)، جهانگیر قلعه میانوآب (کارگر لوله کشی و تأسیات)،

با چنین چشم اندازی عمل فدائی آغاز میشود و جنبشی را پایه گذاری میکند که میتواند بسیاری از نیروهای پراکنده را حول محور دفاع مسلحانه (در ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که «هر شخصی حق دارد خواستار برقراری نظمی در عرصه اجتماعی و بین المللی باشد که حقوق و آزادی ها را به تمامی تأمین و متحقق سازد.» هر فردی فقط در برابر جامعه و وظایفی بر عهده دارد (ماده ۲۹). هیچ حکومت، جمعیت یا فردی حق ندارد که حقوق همگانی بشری را محدود سازد (ماده ۳۰). تمامی کشورهای عضو سازمان ملل اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضا کرده اند.) از حق مبارزات رهای بخش گرد هم آورد. اما پذیرفتن اصل مبارزه طبقاتی و شرکت در مبارزات کارگری بر اساس منافع طبقاتی در راس فعالیت اش بود. این نیروی اجتماعی در محیط های کار سعی کرد تا بنوعی نماینده نظری و عملی دمکرات های انقلابی باشند.

اگر از سال ۱۳۳۷ جنبش کارگری دچار رکود است اما در اواخر دهه ی چهل و پنجاه بار دیگر حرکت های کارگری اوج گرفت و حتی در دهه ی پنجاه شکل های سیاسی چپ در دل جنبش کارگری فعالیت می کردند. در سال ۱۳۴۹ در سراسر ایران ۳۲۲ واحد سندیکای کارگری و ۱۴۱ واحد سندیکای کارفرمائی تشکیل شده بود که بر حسب رشته ی کاری، پراکندگی آن ها به این شرح است: حمل و نقل ۸۳ سندیکا- فلزات ۷۳ سندیکا- نساجی ۳۰ سندیکا- غذائی ۶۶ سندیکا- صنایع فلزی ۲۱ سندیکا- آب و برق ۱۸ سندیکا- ساختمانی ۲۱ سندیکا- چرم سازی ۶ سندیکا- نفت ۲۳ سندیکا- شمع سازی ۲ سندیکا- قالی بافی ۱۰ سندیکا- متفرقه ۱۱۰ سندیکا. اعتصاب های پی در پی

به کانال تلگرام ما بپیوندید

@fedayi1349

آخرین اخبار و گزارشات

مقالات . اطلاعیه ها و

نشریات سازمان اتحاد

فداییان کمونیست را از

کانال فدائی در تلگرام

در یافت کنید .



تأثیر جنبش کارگری بر جنبش سیاهکل - پنجاه سال تأثیر فرهنگ سیاهکل بر جنبش کارگری

مبارزه اش در عرصه جنبش کارگری بود و در تمام سالهای بعد از سیاهکل نیروی اساسی جنبش سیاهکل در محیط کار و در کنار کارگران بوده است و از این زاویه است که بعد از سرنگونی سلطنت پهلوی نیروی ضدانقلاب بر صندلی قدرت در اولین قدم رسیدن به قدرت اش با بستن دانشگاهها و مبارزه با رهبران کارگری در محیط کار توانست تا مدتها جنبش کارگری را سرکوب کند. جنبش مقاومت مسلحانه در سال های ۵۸ و ۵۹ در ترکمن صحرا و کردستان فروکش کرد و حتی پایگاههای نظامی جریانات سیاسی در کردستان و عملیات فروغ جاویدان دیگر نمی توانست عملکرد مشابه سیاهکل را داشته باشد. جنبشی که در دو دهه گذشته از خاکستر جنبش سیاهکل سر برآورده است بالطبع شاید همانند نیروهای سیاهکل نباشند ولی در مجموع با بخشی از سنت طبقاتی آن گرایش نیرو گرفته و فعالیت خود را ادامه می دهد.

یک شباهتی بین جنبش سیاهکل و دیگر جنبش هایی که در کشورهای دیگر اتفاق افتاد هست. همانند جنبش کارگری فیلیپین، ایرلند، افریقا، کره، کلمبیا و ترکیه. اگر مطالعه کنیم، می بینیم همین سرکوب هایی که در جامعه ما بود، در آن کشورها هم وجود داشته و جنبش کارگری آن کشورها نیز همین قدر پراکنده بودند. در فیلیپین هم

که چندین هزار کارگر بدون پاره ای سازماندهی قبلی و تدارک قبلی ناگهان اعتصاب کنند.

در دوران پس از سرنگونی سلطنت پهلوی شکل گیری کمیته های اعتصاب در شهرهای مختلف بودیم، کمیته های اعتصاب در بسیاری از صنایع شکل گرفت، مانند صنایع دفاع، ماشین سازی، تراکتورسازی، راه آهن و غیره که مرکز اعتصاب سراسری در تهران بود. در همین دوران است که بحث شوراها و گسترش آن به معنی کنترل امور کارخانه مطرح است. ما در ۳۰ کارخانه که ۲۵۰۰۰ کارگر را در بر می گرفت شوراها کارگری داشتیم. البته بحث شورا حتی به جنبش دهقانی نیز کشیده شد، از جمله در کردستان و ترکمن صحرا. حکومت موقت تمامی سندیکاهای سابق، از جمله هیئت مدیره های آن ها، را منحل کرد و به جای آنان نمایندگان شوراها یا حزب الهی های جدید را منتصب کرد.

پس جنبش سیاهکل محصول تحمیل سیاست حکومت سلطنتی بود که مشی دفاع مسلحانه را به جنبش کارگری تحمیل کرد اما سرمایه داری تلاش میکرد آنرا یک گرایش مسلحانه یک بعدی نشان دهد. سیاهکل

یافت و کارگران همراه دیگر اقشار در سرنگونی دیکتاتوری مشارکت داشتند، شکل های مستقل شورائی شکل گرفت که داستانی دیگر داشت طبقه کارگر تا حدود زیادی به قدرت خود آگاه شده بود و حرکت های اشغال کارخانه ها و مدیریت تولید را آزمایش میکرد و در این زمینه موفقیت های بسیاری بدست آورد. بررسی تک نگاشت هایی که گروه های چپ، به خصوص فداییان و مجاهدین، از اعتصاب های مهم تهیه کرده اند نشان می دهد که اعتصاب ها با یکدیگر در سال های آخر حکومت شاه هماهنگی نداشته و هر کدام به صورت جداگانه و در زمان های مختلف و به تفاریق انجام گرفته اند. در مواردی اعتصاب ها یک پارچه بوده و همه کارگران کارخانه در آن شرکت می کردند، ولی در مقابل در موارد متعدد اعتصاب ها تنها شامل بخشی از کارخانه بود و نه همه کارگران. در این اعتصاب ها ابتکارهایی در شرایط اختناق صورت می گرفته است. مثال کندکاری و کم کاری از تاکتیک های بسیار مؤثر و در عین حال مانع بهانه گیری رژیم بوده است. گویا کارگران خود را برای نبردی دیگر آماده میکردند که متاثر از شرایط سیاسی جامعه بود و همین امر بیانگر آن است که مبارزات صنفی اگر با مبارزات سیاسی پیوند نداشته باشد، نمیتواند به سرانجامی با چشم اندازهای روشن برسد. این مبارزات کارگران به صورت های صنفی در این دوره آنان را آماده میکرد تا همبستگی خود را با مبارزات سیاسی به سر انجام برسانند. در این دوره مانند در کارخانه و اشغال آن، سازماندهی اعتصاب ها اختلاف نظر شدید میان کارگران بود. یکی از گروه های چپ در این باره می گوید: اعتصاب ها ظاهراً کاملاً خودانگیخته هستند، ولی غیر محتمل است

رهایی طبقه کارگر تنها بدست خود وی میسر است . چرا که تمام اقشار و

طبقات دیگر جامعه علیرغم اختلافاتی که با هم دارند ، اما در حفظ

شالوده های نظم سرمایه داری دارای منافع مشترکند .

شرط لازم برای تحقق انقلاب اجتماعی طبقه کارگر ، سازمان

سوسیالیسم و گذار به جامعه کمونیستی ، دیکتاتوری انقلابی طبقه

کارگر است که قادر است مقاومت استثمارگران را در هم شکند.

" از برنامه جمهوری فدراتیو شورایی ایران "

همین مدل بود، در مکزیک و کلمبیا هم همین‌طور. جنبش کارگری ایرلند و کلمبیا مثل دهه‌ی چهل و پنجاه ما، از یک جنبش چریکی متأثر بود و بعد این جنبش چریکی تغییر می‌کند. به موازات جنبش کارگری، جنبش فارک و ارتش آزادیبخش ایرلند را می‌بینیم که در نهایت به جنبش کارگری پیوستند. همین وضعیت را در کنفدراسیون اتحادیه‌ی کارگران کره هم می‌بینید. اما به‌رغم این شباهت‌ها، یک تفاوت اساسی وجود دارد. تفاوت این‌جاست که دولت‌ها در آن کشورها ضرورت تغییر را می‌فهمد و خود را با آن تغییرات تطبیق می‌دهد، اما حکومت ما زمینه و استعداد فهم و تغییر ندارد. حکومت در ایران، خود را مثل سنگی می‌داند که اگر کمترین تکانی بخورد، سقوط خواهد کرد و کار تمام می‌شود. ما با حکومتی طرف

هستیم که حاضر به کمترین عقب‌نشینی هم نیست. به همین دلیل است که جنبش کارگری ما رزمنده‌تر و فداکارتر از دیگر نقاط جهان شده است. از اواسط دهه هشتاد، طبق اخبار رسمی، که معمولاً کمتر از واقعیت است، حداقل ۱۳۰۰ اعتراض در هر سال داشتیم. در این دوره‌ی جدید حدود ۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ اعتراض در سال داریم. اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ گذشته شاید خیلی‌ها را متعجب کرد ولی جنبش کارگری آن را پیش‌بینی می‌کرد. تشکلات مستقل کارگری سال‌هاست که می‌گویند شورش گرسنگان و بیکاران و کارگران موقت در پیش روی ما است. جنبش کارگری متأثر از جنبش عدالتخواهی است و سرکوب حداکثر حکومت از واهمه تکرار همان شرایط دهه پنجاه است.

ارتباط جهانی و عملکرد حمایتی از جنبش سیاهکل را با گفتاری از جری آدامز رهبر سابق ارتش آزادیبخش ایرلند در کتاب هیچوقت تسلیم نشو نوشته است می‌توان تمام کرد. ایشان می‌گوید در دسامبر ۲۰۰۱ همراه با زندانی سیاسی جری کلی که از اعتصاب غذایی معروف جان سالم بدر برده بود به کوبا رفتیم و در نشست‌های فیدل کاسترو بخاطر حمایتش از جنبش امان در سپتامبر سال ۱۹۸۱ تشکر کنیم. فیدل به درستی آن زمان را بخاطر داشت و به ما یادآوری کرد که در کنفرانس ۶۸ ام حزب کمونیست او سخنرانی اش را در رسای اعتصاب غذایی مبارزین زندانی ایرلند آغاز کرده بود و در این سخنرانی گفته بود: میهن پرستان ایرلندی در حال نوشتن فصل تازه‌ای از قهرمانان مبارزات تاریخ بشریت هستند. آنها احترام و تحسین کل جهان را بدست آورده‌اند و بر این اساس حق حمایت ما را از خودشان دارند. فداکاری و شهامت آنها همیشه در ذهن ما خواهد ماند. بگذار استبداد بر خود بلرزد توسط مردانی که قادر هستند در اعتصاب غذایی‌شان و نیستی‌اشان ایده‌های نوین را بسازند. (ص ۴۶، Gerry Adams, Never Give UP- Mecerier Press). جنبش سیاهکل در نبودش راهی را نشان داد که جنبش کارگری هنوز وامدارش است و با همان فداکاری و متانت به راهش ادامه می‌دهد و پیروزی اش دور نیست.

مهدی کوهستانی

بهمین ۱۳۹۹

دوستی و اتحاد ما کارگران ملل مختلف در نبرد مشترک ما بر علیه سرمایه داری حاصل می‌شود نه در نفی حقوق دمکراتیک یکدیگر . برای همین است که برنامه ما با در نظر گرفتن رشد تاریخی ملل ساکن ایران تشکیل فدراتیو شورائی را هم شکلی از استقلال و هم شکلی از گذار به وحدت آزادانه و کامل پیشینهاد میکند . در جمهوری فدراتیو شورائی همه ملیتها حق دارند بدون قید و شرط تصمیم بگیرند که در صورت تمایل در نهادهای فدرال شورائی شرکت کنند و یا جدا شوند . فدراتیو شورائی شکلی از اتحاد است که خلفای دارای حق تعیین سرنوشت بطور دواطلبانه به آن می‌پیوندند . فدراتیو شورائی درست نتیجه و برگردان درخواست‌ها و مطالبات و مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان ملیتهاست و آن قوانین ، فرم‌ها و اشکالی را ثبت میکند که خود کارگران و زحمتکشان در جریان مبارزه و انقلاب بوجود می‌آورند . نمونه‌هایی که اشکال نطفه‌ای آن را در انقلاب مشروطیت و تکامل یافته‌تر آن را در قیام بهمن شاهد بودیم و اگر در آن موقع سطح رشد و تکامل جامعه و صف بندیهای طبقاتی مانع از آن شد که این تلاشها به استقرار اشکال حکومتی طبقه کارگر منجر نگردد ، امروز با طرح و حل این مسائل باید امکانات نظری و عملی آنرا فراهم نماییم .

انتخابات پارلمان آلمان در ماه سپتامبر

۲۰۲۱

بخش پایانی

حزب چپها:

این حزب پایه های ثابت ۸ الی ۹ درصد آراء را در کل آلمان به خود تعلق دارد. هر چند که این حزب پیوندهای خود را در طی دو دهه گذشته تا حد ۲۸ درصد آراء را در شرق آلمان به خود تعلق داشت اما این آراء هم اکنون در پنج ایالت شرق آلمان به ۱۲ الی ۲۰ رکود کرده است و در ایالت های غرب آلمان سنگینی آراء این حزب نوسانی بین ۳ الی ۸ درصد را به خود تعلق دارد. در شرق آلمان جمع کثیری از رأی دهنده گان به این حزب در طی ۵ سال گذشته یا سر از حزب گذرانده اند و یا در حال حاضر به هیچ حزب و دسته ای رأی نمی دهند و یا جمع کثیری از این حزب نیز در طی چند سال گذشته بخصوص از سالهای ۲۰۱۵ به بعد (سالهای ورود پناهنده ها به اروپا و آلمان) به حزب فاشیستی دست راستی ها ("آلترناتیو برای آلمان") رأی داده اند. در ایالت های غرب آلمان، بنابه توضیحاتی که در پیش دادیم و بخاطر هنوز وجود جو جنگ سرد بر علیه منقدین به مناسبات سرمایه داری و تبلیغات منفی رسانه ها و احزاب حاکم موجود در ایالت های غرب آلمان و جو ضد چپی در جامعه آلمان که به آن اشاره کردیم، این حزب به سختی اما به کندی بخصوص در ایالت های غرب آلمان پا به میدان میگذارد. در این حزب نیروها و تفکرهای سوسیالیستی، ضد فاشیست، دمکراتیک و نیروهای همبستگی و انترناسیونالیست شکل گرفته همچنین وزنه هایی که با اتحادیه های کارگری پیوند دارند و در سازماندهی اعتصابات بخش های مختلف تولید، خدمات، پست و درمان و بهداشت فعالیت دارند، وجود دارد. این حزب شمه هایی از افکار خرده بورژوازی و رفرمیست را نیز در خود نهفته است. این حزب در ایالات شرق آلمان بخصوص در ایالت براندن بورگ موجب



حزب لیبرالها:

این حزب را کوتاه در جملات بالا نام آوردیم. اشاره به این موضوع هم در باره این حزب نمودیم که این حزب اپورتونیست و بورژوا شانس بسیار کمی را در ماه سپتامبر برای رسیدن به پارلمان دارد، چرا که حداقل آراء را که ۵ درصد میباشد بسیار ضعیف است که بدست آورد. همچنین حزب دمکرات مسیحی ها که سالها از این حزب حمایت می کرد و در دوره های قبل ائتلاف های متداولی را با این حزب پیش می برد امروز دیگر تمایلی برای همکاری با این حزب را ندارد چرا که چند سالی ست حزب سبزها جای خالی حزب لیبرالها را برای دمکرات مسیحی ها پر کرده اند.

حزب دست راستی ها و فاشیستها ("آلترناتیو برای آلمان"):

این حزب در دوره قبل انتخابات در سال ۲۰۱۷ رقم ۱۲,۶ درصد آراء را کسب کردند. اشاره به این موضوع کردیم که بیش از نیمی از رأی دهنده گان به این حزب از بخش های دست راستی و نژادپرست حزب دمکرات مسیحی ها نشأت میگیرد و نیمی دیگر به مناطق شرقی آلمان منوط میگردد. مؤسسين و پایه گزاران این حزب از اعضا و کادرهای قدیمی نژادپرست و نئوفاشیست منشعب از حزب دمکرات مسیحی ها هستند که از ساکنین مناطق غرب آلمان میباشدند و در حال حاضر هواداران زیادی را در مناطق شرقی آلمان دارند. در انتخابات سپتامبر امسال هر تحول سیاسی- اقتصادی و هر بحرانی در آلمان رخ دهد، این حزب بیشتر از ۱۰ درصد

خطا های سیاسی مهمی شد. در این ایالت این حزب از سال ۲۰۰۹ ائتلاف با سوسیال دمکراتها را پیش می برد و حکومت این ایالت را با هم شکل داده اند و تصمیماتی را در طی چند سال پیش به اجرا درآوردند که موجب رکود اشتغال نیروهای کار شد. همچنین در تصمیمات ائتلافی این دو حزب در سه سال گذشته برای صرفه جویی خزانه دولت این ایالات، توقف استخدامی های جدید در بخش بهداشت و درمان و بیمارستانها و در بخش خدمات اجتماعی و خدمات دولتی به تصویب رسید و این امر موجب بیکاری بیش از ۱۰۰۰۰ نفر پرسنل این دو بخش خدماتی تا سال ۲۰۱۹ شد. این امر به سطح قابل چشمگیری موجب کاهش آراء و حمایت از این حزب را مسبب گشت.

در حال حاضر این حزب در سه ایالت شرق آلمان، در ایالت برلین، در ایالت تورینگن و در ایالت مکلن بورگ - فورپومرنز و برای اولین بار نیز در غرب آلمان یکسال پیش در ایالت برمن، دست به ائتلاف زده و همراه با سوسیال دمکراتها و حزب سبزها در این ایالتها دولت تشکیل داده اند. با تمام عملکردهای منطقه ای، ایالتی، کشوری و روابط و مصوبات بین المللی این حزب در ارتباط با دفاع از صلح و درخواست بازگشت نیروهای ارتش آلمان از مناطق جنگی و بحرانی، سیاستهای ضد فاشیستی و ضد راسیستی و فعالیت های انترناسیونالیستی، این حزب را میتوان یک حزب چپ سوسیال دمکرات قلمداد کرد.

انتخابات پارلمان آلمان در ماه سپتامبر ۲۰۲۱

آراء را کسب نخواهد کرد. در ماههای اخیر این حزب دچار بحرانهای درونی گوناگونی بوده است و سوابق رشوه خواری مختلفی را نیز دنبال کشیده است. همچنین در مقابل ترورها و ضرب و شتمهایی که در طی سالها و ماههای گذشته از طرف نئوفاشیستها بر علیه شهروندان خارجی، پناهنده ها، نیروهای چپ و کمونیست و ضدفاشیست و افراد فعال سیاسی صورت گرفته سکوت کرده یا مورد تأیید قرار داده و یا به شکلی این ترورها را ملایمت وار مورد نقد قرار داده است.

بی شک بحران سیاسی - اقتصادی در حال حاضر همانطور که خیلی از خواننده گان این مقاله به آن نیز مطلع هستند، در نظامهای سرمایه داری کشورهای غرب و کشورهای وابسته به این ابرقدرتها و همچنین در آلمان تداوم یافته و هر چه بیشتر از گذشته تأثیرات خود را بر ناراضیاتی های مردم افزایش خواهد داشت.

در شرایط کنونی در آلمان افزایش سطح بیکاری تا رقم ۶ میلیون نفر،

موج ورشکستگی صنایع مونتاژ و صنایع متوسط و کوچک در اوضاع فعلی،

ورشکستگی هزاران مغازه و اضافه شدن موج بیکاریها به حد بیش از یک میلیون بیکار باضافه رقم بالا،

پاسخ ندادن و برطرف نشدن بحران آلودگی محیط زیست (آلمان در استفاده از پلاستیک و بسته بندی های بیمورد، مصرف بی حد پاکت و افزایش نامحدود آشغال، در اولین و بالاترین لیست کشورهای اروپایی قرار دارد)،

حل نکردن حقوق مساوی مابین زنان و مردان چه از نظر مقامات پستی و چه از نظر نقش سیاسی - اجتماعی زنان در جامعه و چه از نظر نبودن تساوی حقوق دریافتی بین زنان و مردان با توجه باینکه کار مساوی انجام می گیرد،

نبودن طرح و برنامه استخدامی برای دهها هزار جوان فارغ التحصیل دانشگاهی که بعد از پایان دوره تحصیلی خود به ارتش بیکاران پیوسته اند و در حال پیوستن هستند،

بی سرنوشتی هزاران جوان کارآموز و کاردان مجتمع ها و صنایع مختلف و بی تکلیفی آنها، کمبود مسکن و بالا رفتن اجاره منازل، پائین آمدن ارزش حقوقی و ارزش دستمزد به میزان ۱،۳ بنا به گزارشات مؤسسات دولتی در تاریخ دسامبر ۲۰۲۰،

رسیدن فقر به مرز بیش از ۲،۸۰۰،۰۰۰ کودکان و نوجوانان در این کشور که طبق آمار ماه اکتبر ۲۰۲۰ اعلام شده است و نشان میدهد این طیف از جامعه از هر گونه رفاه خانوادگی، مالی و آموزشی مناسب بی بهره اند،

خسته بودن و خسته شدن طیف جوان از حکومت داری مردان و زنان وابسته به سرمایه که بیش از هفت دهه است که ائتلاف و حاکمیت میکنند و حامی سیستم بورژوازی هستند و تنها همیشان دفاع از اقتصاد آزاد بوده و خیلی از فاکتها وعینبات دیگر در جامعه عواملی هستند که سبب خواهند شد که ما در انتخابات ماه سپتامبر شاهد رنگهای دیگری از ائتلافات برای تشکیل دولت آینده آلمان باشیم. رنگهایی که لعاب آنچنانی برای برطرف کردن این همه نابسامانها و رفع این بحرانها را در دستور و برنامه خود نمی توانند داشته باشد.

یک نکته بسیار مهم این است که دولتمردان و دولتزان کشورهای سرمایه داری از امریکای شمالی گرفته تا ژاپن و همچنین رژیمهای دست نشانده و دیکتاتور وابسته به این ابرقدرتها که دستشان در دست کمپانی های بزرگ، بانکها و احزاب ارتجاعی و بورژوازی هست در تلاشند در طی سالهای آینده و در پروسه درازمدتی که در طرحها و برنامه خود در دست دارند، حرکتهای اجتماعی، جنبشها و اعتراضات توده ای، مجامع، احزاب، گروه های سیاسی اجتماعی مترقی، مجامع دفاع از محیط زیست، اتحادیه های کارگری، مبارزات کارگری، جنبش زنان، جنبش محصلین را بی معنی، بی اهمیت، بی تأثیر قلمداد داده و این حرکتها را از پایه خنثی نمایند. در دوران پیش از کرونا و بخصوص در شرایط کنونی که نزدیک به یکسال است که ادامه دارد، بخوبی

شاهد یکه تازی و تصمیم گیریهای یکجانبه و دیکتات و دستورات دولتها هستیم! اما این مسئله که دولتها به تنهایی امر و نهی کنند نتوانسته است تا کنون در امریکای لاتین اعمال خود را به کرسی برسانند. ما بخوبی در طی چند سال گذشته و در ماههای اخیر شاهد بدست آوردن ره آوردهای چشمگیری در طی مبارزات توده های مردم در این قاره بوده ایم. نمونه بارز این قضیه پیروزی مبارزات زنان و توده های مردم آرژانتین برای آزادی سقط جنین در چند روز پیش در تاریخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۰ میباشد. همچنین پیروزی خلق شیلی در فراندوم ماه اکتبر ۲۰۲۰ برای تهیه منشور و نوشتن قانون اساسی جدیدی که به دست خود آنها و به دست کلیه شوراهای توده ای تهیه خواهد شد.

با توجه به فاکتها ومواردی که در بالا در مورد شرایط بحران کنونی در آلمان آوردیم و براساس این مباحث، شکل و اشکال ائتلاف حکومت آلمان درانتخابات ۱۶ سپتامبر را میتوان چنین به تصویر کشید. تأکید مجدد به این موضوع مهم است که انواع ائتلافهای شکل گرفته در ماه سپتامبر همانطور که به آن اشاره کردیم دال براین نیست که تغییری در سیاست بورژوازی و بازار آزاد این کشور به وقوع رساند. اما وظیفه تمامی محققین، سیاستمداران و نیروهای سیاسی مترقی بخصوص نیروهای انقلابی ست که تصویری از تحولات و مناسبات شکل گرفته در جامعه های مختلف و برای مثال مختصا در آلمان را به متفکرین و علامندان ارائه دهند چرا که تجزیه و تحلیل روابط و تحولات جوامع مختلف منجر به این خواهد شد راههای مختلفی را برای بهبود شرایط زندگی پیش گرفت و آلترناتیو درست را که جدا و مخالف نظم سرمایه داری ست به پیش برد و برای ایجاد جامعه ای سوسیالیستی تلاش کرد.

دومین تأکید این است که در هر جامعه و هر مکانی که بسر میبریم، در همین جوامع، سندیکاها، نیروها، تفکرها و تشکیلات و احزاب مستقل و مترقی، نیروهای انقلابی و سوسیالیستی وجود دارند که همانطور که در پیش اشاره شد با وجود فشارهای سیاسی و تعقیب و فشار بر آنها، دست از مبارزه برای رسیدن به جامعه ای برابر و مساوی جدا از مناسبات بورژوازی برنداشته و

انتخابات پارلمان آلمان در ماه سپتامبر ۲۰۲۱

ناگفته نیست حزب

دمکرات مسیحی ها به هر طریق ممکن که شده، با عملکرد و برنامه سیاسی که این حزب بر پیشانی دارد، به هیچ وجه حاضر نیست که ائتلاف حزب سوسیال دمکراتها، حزب سبزها و حزب چپها را که احتمال شکل گرفتن آن وجود دارد را ببیند و بپذیرد. بخصوص اینکه ماهها ست که حزب سوسیال دمکراتها و حزب سبزها تمایل ائتلاف با حزب چپها را اعلام کرده اند.

۳- سوسیال دمکراتها، حزب سبزها و حزب چپها

این شکل ائتلاف برای تشکیل دولت آینده آلمان یکی از فرمهای ائتلافی ست که تاکنون در تاریخ پارلمان کشوری وجود نداشته است. ائتلاف سوسیال دمکراتهای خوش بین به آراء ۲۰ درصدی و سبزهای امیدوار به آراء بیش از ۲۰ درصدی و چپهای ۹ درصدی، آخرین شکل ائتلاف ممکن در تاریخ انتخابات پارلمان آلمان در ماه سپتامبر خواهد بود. اما در حال حاضر این مجموع رقم آراء سه حزب، قادر نخواهد بود ائتلاف مورد علاقه این سه حزب را امکان پذیر نماید، مگر اینکه هر سه حزب نامبرده مشترکا آرا خود را به بیش از ۵۰ درصد برسانند. این امر غیرممکن نیست، چرا که کافی ست که هر سه حزب مشترکا آرائی برابر با ۵۲ درصد را کسب کنند. در صورتیکه این امر صورت بگیرد، بدون هیچ تردیدی هر سه حزب به پای مذاکرات ائتلافی خواهند رفت و تلاش برای تشکیل دولت آینده را پیش خواهند برد. حتی اگر ۲ آلترناتیو ائتلافی بالا امکان پذیر باشد، این سه حزب مذاکرات خود را برای این فرم ائتلاف سر خواهند گرفت. این مذاکرات به این دلیل شکل خواهد گرفت چرا که نیروهای جوان سوسیال دمکرات و بخشهای نیروهای کار باقیمانده وابسته به اتحادیه های کارگری که هنوز نزدیکی به سوسیال دمکراتها را دارند، سالهاست فشار به حزب سوسیال دمکراتها را برای همکاری و ائتلاف با حزب چپها را خواهان هستند. حزب سبزها نیز همانطور که اشاره نمودیم بعد از ۲۰ سال، امروز چراغ سبز خود را برای همکاری با حزب چپها داده اند. حزب چپها نیز تلاش خواهد کرد در

مسیحی ها جنبه مثبت دیگری را در خود داراست چرا که با این ائتلاف نشان خواهد داد و تظاهر خواهد کرد که سیاست "سبزمنشی" را این حزب با خود به همراه دارد. حزب سبزها نیزمایل به این ائتلاف هست بخصوص اینکه این حزب در ماه نوامبر ۲۰۲۰ چراغ سبز را برای ائتلاف با دمکرات مسیحی ها را رد نکرده است و حتی در صورت ائتلاف از هم اکنون درخواست به عهده داشتن پست وزارت کشور را نموده است.

۲- دمکرات مسیحی ها با حزب سوسیال دمکراتها

این شکل از ائتلاف همان است که هست. آلترناتیو دیگری که دمکرات مسیحی ها در دست دارند، ائتلاف دوباره با سوسیال دمکراتهاست. این ائتلاف در صورتی اتفاق خواهد افتاد که حزب سبزها آراء مناسب را برای ائتلاف با دمکرات مسیحی ها کسب نکنند. دمکرات مسیحی ها هر طور که ممکن است برای ادامه حاکمیت حاضرند مجددا با سوسیال دمکراتها ائتلاف کنند چرا که بدون شک سوسیال دمکراتها حداقل در این دوره رقم ۱۸ درصد آراء را بدست خواهند آورد. این امر دومین و آخرین کارت رزروی ست که دمکرات مسیحی ها برای تشکیل دولت به همان شکل ۱۶ سال پیش در دست دارند. بنابه تمامی شواهد، در این دوره سوسیال دمکراتها بخصوص بخاطر مباحثات و اختلافات درونی و اغتشاسات سیاسی بر سر ادامه ائتلاف با دمکرات مسیحی ها و مباحث بغرنج دیگر که مابین ۴۰۰۰۰۰ اعضای این حزب (رقم اعضای این حزب رو به رکود است) مدتهاست در جریان است، طیف وسیعی از اعضاء و رأی دهنده گان به این حزب تمایل زیادی برای ائتلاف مجدد با دمکرات مسیحی ها را ندارند. - از سال ۱۹۹۰ تا پایان سال ۲۰۲۰ رقم اعضای سوسیال دمکرات ها به نصف رسیده است - در این دوره این فرم از ائتلاف کم شانس ترین فرم ائتلاف خواهد بود.

بهمین خاطر میتوان با آنها به نشست و مذاکره پرداخت با آنها به اتحادهای مشترک دست زد و در این راه مبارزه، با آنها هم‌رزم و هم‌سنگر شد. بهمین خاطر همبستگی و همراهی و مبارزه مشترک با چنین نیروهایی وظیفه بسیار مهم تمامی انقلابیون، نیروهای وفادار به سوسیالیسم و تمامی انسانهای مبارز و آزادیبخش میباشد.

شکل و اشکال ائتلافها در ماه سپتامبر اشاره به این امر داشته باشیم که با سابقه ای که حزب دمکرات مسیحی ها بر پیشانی دارند، این حزب تمام تلاش و انرژی خود را بکار خواهد انداخت تا بلکه به هر شکل ممکن و با تاکتیکهای مختلف هر طور که شده بعد از ۱۶ سال صدراعظمی، مجددا حاکمیت را در دست نگه دارد. دو شکل ائتلاف برای این حزب وجود دارد. ائتلاف دمکرات مسیحی ها با حزب سبزها

این شکل از ائتلاف بسیار خوشایند برای حزب دمکرات مسیحی هاست و به باب میل آنهاست و به شرطی قابل وقوع است که این حزب همچنان که قبلا به آن اشاره کردیم، بتواند حداقل ۳۵ درصد آراء را کسب کند. این درصد آراء را این حزب در این حدود، در این دوره انتخاباتی بدست خواهد آورد. اما برای اینکه این ائتلاف شکل بگیرد بایستی حزب سبزها نیز حداقل ۲۰ درصد آراء را صاحب شود. رسیدن به ۲۰ درصد آراء برای حزب سبزها هم امکان پذیر است. دمکرات مسیحی ها میدانند که با توجه باینکه سالهاست در ایالات مختلف آلمان ائتلافهای موفقیت آمیزی را با حزب سبزها داشته اند و همچنین دست اندرکاران و مشاورین این حزب، ائتلاف با حزب سبزها را در اولین دستورکار خود قرار داده اند، بهمین خاطر این شکل از ائتلاف برای دمکرات مسیحی ها ایده آل ترین و بالاترین شکل ائتلاف در این دوره انتخاباتی ست چرا که شکل دادن به این ائتلاف، تضمین صدراعظمی مجدد برای این حزب را در خود نهفته است. این تاکتیک ائتلافی با حزب سبزها از نظر وجه سیاسی برای دمکرات

انتخابات پارلمان آلمان در ماه سپتامبر ۲۰۲۱

مذاکرات ائتلافی آوانسهای مناسبی را در مذاکرات و مصوبات کسب کند، در غیر اینصورت اعلام کرده است که با هر قیمتی دست به ائتلاف نخواهد زد. دمکرات مسیحی ها در مقابل این ائتلاف دست به هر خرابکاری سیاسی خواهند زد تا بلکه این شکل از ائتلاف صورت نگیرد. حزب دمکرات مسیحی ها حتی حاضراست در صورتیکه حزب سوسیال دمکراتها و یا حزب سبزها با آنها به پای ائتلاف بیایند بیشتر از حد معمول، وزارتخانه ها را در کابینه جدید در اختیار این دو حزب قرار دهد. اشاره به این موضوع نمودیم که حزب سبزها اظهار تمایل برای در دست داشتن وزارت کشور را کناری اعلام کرده اند در صورتی که ائتلاف با دمکرات مسیحی ها شکل بگیرد. این موضوع را نیز جهت اطلاع در اینجا میآوریم که بیش از ۴۰ سال است که بدون وقفه زمانی (خارج از زمان ائتلاف دولتی حزب سوسیال دمکراتها و حزب سبزها در سال ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۵) سمت وزارت کشور دائما و همیشه در دست دمکرات مسیحی ها قرار داشته حتی در دوره ۱۶ ساله اخیر نیز همچنان در دست دمکرات مسیحی ها مانده است. ممکن است در اینجا سوال شود که به چه دلیل حزب دمکرات مسیحی ها دهها سال است با علاقه سمت وزارت کشور را به عهده میگیرند؟ جواب این موضوع را بی شک خیلی خواننده گان در دست دارند. در آینده سعی خواهیم کرد در مقالات دیگر مختصا به این موضوع بپردازیم.

حضور دارند، مبارزه با راسیسم و نژادپرستی، استخدام بیشتر نیروهای آموزشی برای مدارس و مهد کودکها، استخدام بیشتر برای پرسنل بخش درمانی و بیمارستانها می باشد. مذاکرات و توافقاتی بر سر این مسائل تا حدودی از هر سه حزب دیده میشود.

خصلت تمایل برای رسیدن به قدرت به هر قیمتی از طرف سوسیال دمکراتها و حزب سبزها این خواهد بود: در صورتیکه آلترناتیو سوم شکل نگیرد یعنی نتوانند به ائتلاف با حزب چپها دست بزنند، با کمال میل، این دو حزب به پای ائتلافهای ۱ و ۲ خواهند رفت.

در پایان به این نتیجه می رسیم که حزب دمکرات مسیحی ها، حزب سوسیال دمکراتها و حزب سبزها هر کدام ۲ امکان برای رسیدن به ائتلاف را در دست دارند. در واقع هر سه حزب میتوانند با تاکتیکهای سیاسی شانس مساوی را برای ائتلاف دارا باشند. در اینجا یک امر بطور

حتمی نمایانگر است و آن این است که حزب سبزها اینبار با شواهدی که در دست هست بی شک و در هر صورت، یکی از ائتلافیون دولت آینده آلمان خواهد بود. این حزب با هر قیمتی که بوده باشد و هر هزینه سیاسی را که متقابل شود از کشیدن این قرعه به نفع خود دست برنخواهد داشت.

بهمن ماه ۱۳۹۹

بخش انترناسیونال سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

اما موضوع کوتاه باقیمانده، حزب چپها در صورت ائتلاف بر سر آلترناتیو سوم، شرایط تصویب حداقل دستمزد ۱۲,۵۰۰ یورو را مشروط به ائتلاف با سوسیال دمکراتها کرده است. اخیرا حزب سوسیال دمکراتها نیز خواهان افزایش حداقل دستمزد نیز شده اند. شروط دیگر حزب چپها کاهش هزینه نظامی ارتش آلمان، برگشت تمامی نیروهای ارتش آلمان که در خارج از خاک آلمان

**نشریه سیاسی و تحلیلی
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس
مواضع، نظرات و تحلیل های
سازمان، انعکاس دهنده مسائل
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه
های مختلف نیز هست. تحریریه
نشریه از میان مطالب رسیده انتشار
مطالبی را انتخاب و در الویت
قرار خواهد داد که مستقیما برای
این نشریه ارسال شده باشند لذا
انتظار داریم انعکاس این مطالب
در سایر نشریات و سایت ها با ذکر
منبع و نام نویسنده صورت گیرد.
از طریق ایمیل آدرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود
را با در میان بگذارید.**

kar@fedayi.org

**کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان
کمونیست منتشر می شود.
برای تماس با سازمان اتحاد فداییان
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید:**

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرچ

karj@fedayi.org

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورانی !